

مردم

آنها که زیر چتر حاکمیت اند آنها که ما از آنها دفاع می کنیم

- «هشدار يك مقام مسئول در خصوص احتمال تعطیلی 32 کارخانه فولاد و بیکاری هزاران کارگر. روزنامه کاروکارگر 84/5/13»
- «بازارهای داخل مملو از اجناس خارجی است. کاروکارگر 84/5/17 شماره 4203»
- «قراردادهای موقت بزرگ ترین مشکل نیروهای کار است. کاروکارگر 84/5/17»
- «آیا کارگران باید خودسوزی یا خودکشی کنند تا مسئولان باور کنند که آنها در بحران معیشتی و اقتصادی بسر می برند. رسولی دبیر اجرایی خانه کارگر مشهد- 84/5/15»
- «لارباقت لارستان تعطیل شد، ضرب و شتم کارگران پشم بافی آسیا توجیه پذیر نیست. کاروکارگر 84/5/15»
- «محدودیت عرضه مواد خام شیمیایی، تولید کنندگان داخلی در آستانه ورشکستگی، کاروکارگر 84/5/19»
- «سازمان ملل : اجاره و قسط وام تا 70% درآمد ایرانیان را می بلعد. روزنامه کاروکارگر 84/5/19»

ریگان دم از مردم می زد، کویزومی نخست وزیر کنونی ژاپن دم از مردم می زند، هوگو چاوز دم از مردم می زند، احمدی نژاد دم از مردم می زند، برژنیسکی دم از مردم امریکا و دنیا می زند، شهرام جزایری دم از مردم می زند، محبوب دم از مردم می زند، طالبان دم از مردم می زند، لولاداسیلوا دم از مردم می زند و

آیا تمام مردم های فوق يك مفهوم دارند؟ حتماً خواهید گفت نه. بنابراین «مردم» بر چند دسته هستند؟ به نظر من در جملات فوق و نیز جملات دیگر، مردم بر دو نوع می باشند:

1- مردم تحت ستم، مردم غارت شده، مردم بیکار، مردم اشتغال شکننده، مردم زحمتکش، مردم از کار اخراج شده، مردم حاشیه نشین شهرها، مردم چند سال و چند ماه حقوق نگرفته، مردم کشاورز، مردمی که خرج به دخلش نمی رسد، مردم کوخ نشین، مردمی که گرسنه سر بر بالین می گذارنده، مردمی که از روستاها آواره شده اند و...

2- مردم کاخ نشین، مردم غارت کننده، مردم استثمار کننده، مردم میلیاردر، مردم بازاری و تجار، مردم حق الواسطه گیر از نوع شهرام جزایری، مردم واردکنندگان و قاچاقچی کالا (50 میلیارد دلاری)، مردم قاچاقچی مواد مخدر، مردم جنگ طلب، مردم طالبانی و

حال که معلوم شد ما انواع مردم داریم و هرکس از مردمی هم طبقه و هم قشر خودش می گوید و از او دفاع می کند، باید پرسید ریاست جمهوری طرفدار کدام مردم است؟

مردم تولید کنندگان داخلی که بر اثر عدم عرضه مواد خام شیمیایی در آستانه ورشکستگی قرار دارند یا طرفدار کارخانه پتروشیمی آقای مهندس نعمت زاده و زنگنه؟

مردمی که در معدن رزی بیرجند بخاطر 50 هزار تومان وامی که می خواست از مدیر معدن بگیرد دست به خودکشی زده یا طرفدار مدیر معدنی (مدیران معادن) که کارگر فوق در آن کار می کرد؟

1) هرکس که از مردم صحبت می کند باید توضیح دهد منظورش کدام مردم است. فرق نمی کند که این کس توده ای و تحت پیگرد باشد یا خامنه ای رهبر. حداد عادل رئیس مجلس و یا شاهرودی رئیس قوه قضائیه. احمد جنتی باشد که در نماز جمعه مدام از مردم سخن می گوید

و یا مصباح یزدی باشد که از مردم مسلمان صحبت می کند. همه اینها باید مشخص کنند از کدام مردم دفاع می کنند. مردم به مسلمان و نماز خوان و یا غیر مسلمان و غیر نماز خوان تقسیم نمی شوند، در جمهوری اسلامی کرده اند و مردم را به انواع غیر خودی ها و خودی طرفدار خویش تبدیل کرده اند. آنها از این مردم سخن می گویند. بین مردم صلح طلب و مردم جنگ طلب فاصله زیادی وجود دارد. بین مردمی که موافق حمله نظامی به عراق و افغانستان اند با مردمی که مخالف آن هستند و بر علیه جنگ های فوق هر اقدامی که از شان بر بیاید انجام می دهند از جمله تظاهرات تفاوتشان از زمین تا آسمان می باشد.

مردم تولید کننده

تولید به مفهوم عام شامل تغییر طبیعت و مواد موجود در طبیعت به منظور تامین مایحتاج زندگی انسان ها (غذا، لباس، مسکن و...) می باشد. در طول تاریخ تنها تکاپوی انسانی که باعث بقاء بشریت گردیده تولید بوده است. در غیر این صورت مرگ و نابودی به سراغ بشر خواهد آمد.

آن مردمی که ما از آنها سخن می گوئیم و از منافع آنها دفاع می کنیم، این مردم اند. نه آن که بقیه حق حیات ندارند و یا نباید داشته باشند. خیر! ما از منافع آن مردم، در برابر این مردم دفاع می کنیم و نه از نابودی این مردم برای بود (به معنای هستی و حق حیات) آن مردم.

طبق برآوردهای بعمل آمده، حدود 22 میلیون نیروی فعال در جمعیت 70 میلیونی ایران وجود دارد. از این 22 میلیون حدود 16 تا 17 میلیون جزء شاغلین در بخش های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات و 5 تا 6 میلیون بیکار موقت یا عمدتاً بیکار دائم می باشند. برای اینکه وضع مردم مورد حمایت ما از این بدتر نشود، خواه نا خواه و در گام اول از حفظ تولید و اشتغال موجود (16 تا 17 میلیونی) دفاع می کنیم و برای آن 5 تا 6 میلیون نیز راه کار تولیدی ارائه می دهیم. اولین و ابتدائی ترین راه کار، کنترل و متوقف ساختن واردات و بالا بردن چرخه تولید در کشور است. دفاع از این مردم 5-6 میلیونی از نظر ما جز این ممکن نیست. همچنان که کوشش برای حفظ خط تولید کنونی و اشتغال موجود نیز بخش دیگری از دفاع ما از "مردم" مورد نظرمان است.

چگونه می توان تولید و اشتغال موجود را حفظ کرد؟

باید تمام کارخانه ها، تمام موسسات کشاورزی و صنعتی و خدماتی بر روال موجود بچرخند. یعنی هرچه تولید می شود باید تولید شود، هرچه از تولید صادر می شود باید طبق روال گذشته صادر شود، تعطیلی کارخانه ها، تعطیلی کارگاه ها، توقف کاشت در مزارع کشاورزی و اراضی کشاورزی باید خاتم یابد.

دروازه های باز گمرکی و بدون کنترل واردات 45 تا 50 میلیارد دلاری (واردات رسمی و دولتی در سال 1383، حدود 34 میلیارد دلار و حدود 10 تا 15 میلیارد دلار قاچاق و قاچاق پنهان) علت العلل نابودی تولید موجود و گسترش بیکاری موجود است. ما با این سیستم مخالفیم و از مردمی که از آن بهره مند هستند دفاع نمی کنیم. ما مدافع مردمی هستیم که قربانی این سیستم اند.

خصوصی سازی دومین عامل مهم گسترش بیکاری، نابودی تولید موجود و نابودی صادرات نیم بند موجود کشور است. تجربه 16 سال اخیر به تعداد زیاد (به اندازه موسسات خصوصی شده و غارت شده) نشان داده است که تقریباً تمام موسسات خصوصی شده بعد از خصوصی سازی نه تنها تولید آنها سرو سامان نگرفته اند، بلکه تولیدشان روند روبه کاهش داشته

وبالتایجه نیروهای کار موجود آنها برای مدتی در بلاتکلیفی، عدم پرداخت حقوق و در نهایت تعطیلی مطلق و تام و تمام و بیکاری مطلق و اخراج طی طریق کرده اند.

از آنجائیکه هر روز بطور طبیعی عده ای بر نیروی فعال جامعه افزوده می شود، در نتیجه روز به روز به نیروی بیکار اضافه می گردد. ما از این نیروی آینده نیز از هم اکنون حمایت می کنیم. این حمایت دفاع از ایجاد خط تولید جدید است و تحقق آن را در اختصاص بودجه مملکت بجای صرف آن در امور نظامی و تجاری می دانیم. به این ترتیب است که ما با مردم جنگ طلب و طرفداران تجارت آزاد موافق نیستیم و از آنها سخن (به معنای دفاع) نمی کنیم.

ما از نظارت و مالکیت ملی (دولت ملی) بر صنایع مادر، صنایع سنگین، معادن بزرگ، بیمه ها، بانک ها، تجارت خارجی، سدهای بزرگ و شبکه های بزرگ برق و تامین نیرو، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی و کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها دفاع می کنیم و این دفاع به معنای دفاع از منافع ملی و مخالفت با تمرکز آن در دست اقلیت حاکم هستیم.

در ادامه دفاع از "مردم" مورد نظر خود، از قانون کار و گسترش بیمه ها دفاع می کنیم. از بیمه بیکاری و بازنشستگی دفاع می کنیم، از حقوق ویژه زنان تولید کننده دفاع می کنیم. ما از این مردم دفاع می کنیم و مخالف قراردادهای موقت کار، خارج شدن کارگاه های زیر 3 نفر، زیر 5 نفر، زیر 10 نفر از شمولیت قانون کار، از جمله بیمه و حق بیمه، خارج شدن کارگران زن و مرد قالی باف که سر به 2 میلیون نفر می زند از شمولیت قانون کار دفاع می کنیم و با آن ماده هائی که طی 16 سال بعد از تصویب قانون کار به آن اضافه شده تا این قانون را شیر بی یال و دم واشکم کند مخالفیم. تفاوت ما، با رهبر، رئیس جمهور، این دولت و آن یکی دولت و یا هر دولت و حاکمیت دیگری در همین تقسیم بندی مردم است. مردمی که ما با پیشنهادهاى خود مدافع آنها هستیم و مردمی که حاکمیت از آنها دفاع می کند.